

## اتحاد امت اسلامی محبوس تعریف و تمجید و مجامله گویی ها

### قادر بخش جمالزهی

بگویم که همگان اعم از شیعه و سنی و عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می برند.<sup>(۱)</sup> آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز در سخنانش اظهار داشت: «فتنه انگیزی ها و تفرقه افکنی ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنی ها در واقع جزو نغمه های شیطانی است و برماست که در برابر وسوسه های شیطان فریب نخوریم.

پاره ای از آدم های نادان وجود دارند که اینجا و آنجا اقداماتی را صورت می دهند و سخنانی را مطرح می کنند، اما وظیفه خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکردها و سخنان افراطی ها و تندروها عمل کنند. آنانی که به مصالح کلی اسلام توجه نمی کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند.

نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی های دو طرف انجام می دهند، نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود. همه ما بر اساس دستور قرآن باید به «حبل الله» متمسک بشویم و در قبال خطراتی که امت اسلامی را تهدید می نماید، بر روی وحدت اسلامی مان اصرار بورزیم.<sup>(۲)</sup>

و آقای دکتر قرضاوی در پاسخ به پرسش مجری برنامه مبنی بر اینکه «نظر شما در مورد نگرانی اهل تشیع از عدم برخورداری اقلیت های شیعه از حقوق خود در کشورهای اهل سنت چیست؟» چنین می گوید: «این موضوعی است که ما با دیگر عزیزان درباره ضرورت مراعات آن به توافق رسیده ایم، یعنی برای آنکه به تقریب واقعی برسیم باید حقوق اقلیتهای مذهبی در کشورهای با اکثریت از مذهب دیگر، مراعات شود؛ یعنی اقلیت های شیعه در کشورهای اهل سنت از تمامی حقوق خود برخوردار باشند و همچنین اقلیت اهل سنت به حقوق خود در کشورهای با اکثریت شیعه برسند. ممکن است پاره ای از دولتها که اکثریت مردم آن اهل سنت اند تمامی حقوق اهل تشیع را مراعات

در سالهای پایانی دهه سوم انقلاب اسلامی بسر می بریم. هر ساله هفته وحدت با همایش های علمی و مراسم های باشکوه برگزار می گردد. بیستمین کنفرانس وحدت اسلامی نیز در فروردین امسال برگزار گردید. به نظر می رسد بایستی قدری تدبیر نمود که برنامه های هفته وحدت و کنفرانس های وحدت اسلامی تاکنون با چه برون دادی مواجه بوده است.

از آنجایی که وحدت اسلامی در دنیای تعریف و تمجید و مجامله گویی ها حبس گردیده است، نتوانسته اثرگذاری لازم و درخشندگی خاص خودش را داشته باشد. اینک وضعیت به گونه ای شده است که در محافل خصوصی بعضاً سخنان تفرقه آمیز و تحریک کننده نقل مجالس هستند ولی در ظاهر از وحدت و یکپارچگی امت اسلامی سخن به میان می آید، غافل از اینکه مردم از این وضعیت به ستوه آمده اند.

مناظره تلویزیونی آیت الله هاشمی رفسنجانی و دکتر یوسف قرضاوی رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمانان در ۲۵ بهمن ماه ۸۵ با شبکه تلویزیونی الجزیره تصویری از کیفیت و کمیت اتحاد امت اسلامی را ارائه داد. دکتر قرضاوی در طلیعه سخنانش چنین اظهار می دارد: «من در سخنرانی ام در کنفرانس گفتگوی مذاهب اسلامی که چند هفته پیش در دوحه قطر برگزار شد، صریحاً به دست اندرکاران تقریب بین مذاهب اسلامی انتقاد کردم که چرا فقط به برگزاری کنفرانس ها و نشست ها، و دور هم جمع شدن و سپس متفرق شدن اکتفا می کنند و دست به هیچ اقدام عملی و ملموسی نمی زنند و همواره از دست نهادن بر روی نقاط و موارد حساس و حیاتی و بحث از مشکلات واقعی طفره می روند و صرفاً به دور هم جمع شدن و به تعریف و تمجید و مجامله گویی می پردازند و امور مهم را به حال خود رها می کنند. به همین سبب می خواهم که ما در این دیدار از اموری سخن

نمایند اما تعدادی از شیعیان در آن کشورها به مقام وزارت و سفارت رسیده‌اند. مدتی پیش من سفری به اندونزی داشتم، در آنجا ریاست هیات دیپلماسی (کشورهای عربی) به عهده سفیر کویت بود که شیعه است. در برخی از کشورهای خلیج به اشخاصی از شیعیان مقام وزارت سپرده شده است اما من بارها به دوستان ایرانی گفته‌ام که شما دارای جمعیت بزرگ ۱۵ میلیونی از اقلیت اهل سنت در ایران هستید (هر چند خود اهل سنت ایران می‌گویند جمعیت‌شان بیشتر از این است) در عین حال حتی یک نفر وزیر هم ندارند. ما در مصر دارای سه وزیر قبطی هستیم که اقلیتی به مراتب کمتر از اهل سنت در ایران هستند. همچنین آنان می‌خواهند تعدادی مسجد در تهران داشته باشند، اما تاکنون با این درخواست‌شان موافقت نشده است. این موضوعی است که متوجه دو طرف می‌شود. اگر برآستی می‌خواهیم تمامی درها را بر روی فتنه گریها ببندیم و آتش فتنه را که مدام به تباهی و بدی می‌انجامد خاموش نماییم باید اقلیت‌ها از حق خود در میان اکثریت برخوردار شوند.<sup>(۳۷)</sup>

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در واکنش به سخنان شیخ قرضاوی در مورد وضعیت و مشارکت اهل سنت ایران در ارکان دولت، چنین گفتند: «ایشان [شیخ قرضاوی] به یکسری آمار و ارقام اشاره کردند و چیزهایی را مطرح می‌کنند که برای آنها پاسخ‌هایی روشن و صریحی وجود دارد؛ اما اگر بخواهیم به آنها پاسخ دهیم این گفت و گو اهداف آمریکا را محقق خواهد ساخت و همان چیزی می‌شود که آمریکا و اسرائیل به دنبال آن هستند.»<sup>(۳۸)</sup>

این واکنش جای بسی تأمل دارد، زیرا برای جامعه اهل سنت این سؤال را مطرح کرده است که چه نسبتی بین پذیرش جمعیت قابل توجه اهل سنت ایران (ولو با اختلاف در آمارهای رسمی و غیر رسمی) و مطالبات آنان، و اهداف بیگانگان (آمریکا و اسرائیل) می‌تواند وجود داشته باشد که با برقراری چنین نسبتی از پاسخگویی صریح و روشن در این خصوص اجتناب می‌شود، در حالی که اهل سنت ایران این انتظار را داشتند که رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با پاسخی صریح و روشن و پذیرش تعیضی که تاکنون جامعه اهل سنت ایران با آن مواجه بوده است آنان را در پیگیری و تحقق مطالباتشان یاری کنند. قابل توجه است که جامعه اهل سنت و بسیاری از خیرخواهان نظام و انقلاب عدم توجه به وضعیت مذاهب و اقوام ایرانی و مطالبات بحق آنان را (که همواره در چارچوب قانون اساسی و برخی اصول مغفول مانده آن مطرح شده است) زمینه ساز سوءاستفاده و اخلاقلگری بیگانگان می‌دانند، نه پذیرش و پاسخ صریح و روشن به آنها را.

دکتر قرضاوی نیز در پایان این گفت و گوی تلویزیونی اظهار داشت: «مطلب دیگری که می‌خواهم به وسیله آن این دیدار را به پایان برم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد و تنها در دایره یک گفتگو نظری و حرف زدن محدود نماند زیرا از این قبیل سخنان کم گفته نشده است. انتظار این است که این گفتگو در عمل و واقعیت تبلور پیدا کند

و مردم آن را با چشمان و تمام وجودشان ببینند و احساس کنند. اگر قصد داریم مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم و در غیر این صورت جز نشستن و حرف زدن و متفرق شدن کار دیگری را پیش نبرده‌ایم.»<sup>(۳۹)</sup>

چنین به نظر می‌رسد که وضعیت اتحاد و انسجام اسلامی در داخل و خارج بر یک منوال می‌چرخد، و در داخل و خارج و به عبارتی در جهان اسلام بزرگترین دغدغه، جامه عمل نپوشیدن و در حوزه شعار ماندن «وحدت اسلامی» است. مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی نیز چه در داخل و چه در دنیای اسلام طرفی نبسته است. چنانکه دکتر احمد صدر در همایش یادبود دکتر یدالله سبحانی می‌گوید: «اکنون در هفته وحدت قرار داریم و همواره نیز شعار وحدت می‌دهیم اما هیچکدام از کارهای ما در راستای وحدت نیست و همه آنها موجب ایجاد تفرقه بین ما می‌شود». و آقای مهندس محمد توسلی هم در مراسم فوق‌الذکر در بخشی از سخنانش می‌گوید: «احترام به مذاهب از راهکارهای تحقق انسجام اسلامی است ولی متأسفانه در حال حاضر اهل سنت از داشتن یک مسجد در تهران محروم هستند. ما باید به قرآن و سنت‌ها بازگردیم و بر اشتراک‌ها تکیه کنیم لذا هر گونه لعن بر اصحاب پیامبر، مانع انسجام اسلامی است.»

به نظر می‌رسد که بایستی پاره‌ای از موانع و مشکلات را علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی با شهامت، شجاعت و دوراندیشی از میان بردارند. چنانکه سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بیستمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در تهران در این خصوص راه‌گشا ارزیابی می‌گردد و حکایت از دلسوزی و دوراندیشی یکی از شخصیت‌های طراز اول انقلاب و جمهوری اسلامی دارد. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در آن کنفرانس اظهار داشت: «زمان بررسی خیلی از اختلافات شیعه و سنی گذشته است و در شرایط امروزی دیگر موضوعیتی ندارد که ببینیم چه کسی خلیفه اول بوده است. ما مخالف بحث‌های طلبگی خودمان نیستیم اما نباید آنها را بین مردم عصبانی کشاند. ما باید از اختلافات جزئی بپرهیزیم، زیرا هم آنها به اعتقادات ما و ائمه ما احترام می‌گذارند، و هم ما به امامان اهل سنت احترام می‌گذاریم.»<sup>(۴۰)</sup>

یقیناً ریشه‌ای‌ترین اختلاف دیدگاهی که فرق اسلامی شیعه و سنی را بیش از پیش متفرق کرده است مربوط به همین مسئله بوده که چه کسی خلیفه اول بوده است و متأسفانه این نزاع به عمق جامعه و لایه‌های مختلف آن و به میان توده‌ها کشانده شده است و امت اسلامی خسارات جبران‌ناپذیری را از این جهت متحمل گردیده است. و به رغم برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت اسلامی و برگزاری مراسم باشکوه هفته وحدت، امت اسلامی از اتحاد و انسجام اسلامی قابل وصفی برخوردار نگردیده است. بلکه بعضاً در همایش‌های علمی و ... که به مناسبت هفته وحدت و تقریب مذاهب اسلامی برگزار می‌شوند به مواردی پرداخته می‌شود که خود منشأ اختلاف‌اند و منجر

تأثیر گذاری برای آن قایل نیست. لذا همواره در طول ۲۸ سال گذشته خواهان مشارکت اهل سنت در مدیریت سیاسی و کلان کشور در حد معاون رئیس جمهور، وزیر و معاون وزیر، و همچنین سفیر و استاندار، و برقراری تعادل در مدیریت های مناطق سنی نشین بین شهروندان شیعه و سنی بوده است.

لذا لازم است دولتمردان کشورهای اسلامی به عنوان استراتژیک ترین مسئله خود، اتحاد و انسجام اسلامی عملی را در دستور کار خویش قرار دهند و توطئه ها و شیطنت های دشمن را که از تفرق و پراکندگی امت اسلامی حداکثر بهره برداری را می نمایند با انسجام و اتحاد عملی و با پرهیز از هر گونه شعارزدگی خنثی نمایند و به نجات کلیت اسلام بیندیشد و منافع خود را در منافع دین اسلام و امت مسلمان ببیند.

امت اسلامی می باید از خود سؤال نماید که با حدود ۷۵ میلیارد جمعیت و به عبارتی بیست و پنج درصد جمعیت دنیا و منابع سرشار انرژی نفت و گاز و با داشتن حدود ۶۰ کشور اسلامی و شصت عضو و حق رأی در سازمان ملل چه اثر گذاری را داشته یا دارد؟ و چه قدرتی را در سازمان ملل از آن خود کرده است؟

آیا تلاش پاره ای از کشورهای مبنی بر سنی کردن شهروندان شیعه و یا تلاش برخی مبنی بر شیعه کردن سنی ها منافعی را در برداشته است؟ آیا بجز این است که وحدت امت اسلامی را عمیقاً خدشه دار و آسیب پذیر نموده است؟ مگر نه اینکه در عصر اطلاعات کوچکترین عمل و به عبارتی هر نوع عملکرد پنهانی کشورها بر ملا می گردد و در دسترس همگان قرار می گیرد؟ آیا به دست آوردن ۲۵ درصدی جهان اسلام از قدرت اقتصادی، نظامی، علمی، تکنولوژی و ارزشمندتر است یا شیعه کردن و یا سنی کردن تعدادی از مسلمانان؟ فشار آوردن تعدادی از کشورهای اسلامی بر اقلیتهای مذهبی شان و نادیده گرفتن حقوق اساسی و شهر وندی اقلیتهای مذهبی شان منافعی را برایشان در برداشته است یا خسارات جبران ناپذیری را برایشان به ارمغان آورده است؟

مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی با تأکید به تدوین منشور وحدت اسلامی یکی از الزامات بسیار مهم را برای ادامه حرکت عمیق امت اسلامی به سمت پیروزی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی بر شمردند و فرمودند: «سیاست جبهه استکبار، ایجاد اختلاف و نزاع قومی و مذهبی میان مسلمانان است که برای مقابله با آن باید وحدت و انسجام میان امت اسلامی تقویت شود و بر همین اساس، امسال، سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری شده است». ایشان کج فهمی، توهنات غلط، سوء تفاهم و بی اطلاعی از مبانی صحیح تفکرات یکدیگر را از موانع اصلی اتحاد دانستند. آیت الله خامنه ای با اشاره به نقش دولت های اسلامی و علمای اسلام و زمینه سازی برای وحدت و انسجام اسلامی تأکید کردند: «تدوین منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلام، ضروری و مطالبه ای تاریخی است که اگر امروز

به پراکندگی بیشتر می گردند. اما در این میان، این سخن ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام جناب آقای آیت الله هاشمی رفسنجانی که «در شرایط امروزی دیگر موضوعیتی ندارد که بینیم چه کسی خلیفه اول بوده است» سخنی نیکو و راه گشا است. زیرا پس از گذشت چهارده قرن از وقوع این مسئله، مطرح کردن مستمر این بحث که چه کسی بایستی خلیفه اول می شد و یا اینکه چه کسی خلیفه اول بوده است، چه سودی برای استراتژیک ترین مسئله مسلمانان در عصر حاضر که همانا اتحاد امت اسلامی است می تواند در بر داشته باشد و یا تا به حال در بر داشته است؟

لذا از آنجایی که تاکنون شیعه بوده که همواره به طرح این مسئله تاریخی پرداخته است، این سخنان وحدت طلبانه آقای هاشمی رفسنجانی و فراگیر شدن چنین دیدگاهی می تواند در به حاشیه راندن این صورت مسئله در محافل سیاسی - مذهبی و در میان توده ها کمک کند و گام مؤثری در راستای وحدت امت اسلامی باشد.

امروز وضعیت به گونه ای شده است که شعاری بودن برنامه ها و تلاش های کنفرانس ها و همایش های وحدت اسلامی در طی سالهای گذشته ملکه ذهن تمامی لایه های جامعه اعم از علما، روشنفکران، نخبگان و حتی توده های مسلمان شده است و می طلبد که به سمت اتحاد عملی قدمهای استوار و محکمی برداشته شود. به طور مثال، جمهوری اسلامی ایران بایستی برای نداشتن مسجد شهروندان سنی تهران تا چه میزان هزینه پرداخت کند و یا برای نداشتن سفیر و رایزن سنی در کشورهای اسلامی چه میزان هزینه بپردازد؛ وقتی شخصیتی مثل جناب دکتر یوسف قرضاوی چنین پرسش هایی را مطرح می کند دست اندرکاران تقریب بین مذاهب اسلامی و کنفرانس ها و همایش های وحدت اسلامی چه سخنان و استدلالاتی را می توانند در مقابل آن پرسشها مطرح نمایند، مگر نه اینکه به خاطر هدفهای بزرگتر هزینه های کوچکتر را باید متحمل شویم. آیا امت اسلامی از کشورهای عربی ای همچون کویت بایستی انتظار داشته باشد که از اقلیت شیعه مذهب خود وزیر و یا سفیر در ارکان حکومتش داشته باشد یا از جمهوری اسلامی ایران؟ آیا شایسته و برازنده جمهوری اسلامی ایران بود که گوی سبقت را در این خصوص ربوده باشد و یا کشورهای مثل کویت، افغانستان و ...؟

چرا جمهوری اسلامی ایران و عربستان جزو آخرین کشورهایی باشند که به این مهم توجه نمایند؟ گرچه عربستان سعودی از اقلیت شیعه مذهبش در حد سفیر و سرکنسول استفاده کرده و برای مشارکت در نیروهای امنیتی نیز فراخوانده است، که شاید کفایت نکند. اما جمهوری اسلامی ایران در همین حد نیز از اهل سنت دعوت همکاری به عمل نیاورده است. پس از پیروزی انقلاب، صرفاً سمتی تحت عنوان مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت تعریف شد و از ابتدا تا حال همواره یک فرد مشخص زحمت این عنوان را به دوش کشیده است و جامعه اهل سنت از فعالیتها و عملکرد آن اطلاع چندانی ندارد و

خود را در معرض خطر قرار می دهیم و خود را به شیعه و سنی تقسیم کرده ایم در میان هیچ جمعیتی دیده نمی شود. باید هر چه زودتر این شکاف عمیق را بر طرف سازیم. بدون تردید عده ای از علمای الازهر شیعه را از روی مطالب معیوب شناخته اند و برادران شیعه هم آن طور که شایسته است برادران سنی خود و افکار و آرای آنان را درک نکرده اند و این شکاف و فاصله وحشتناک غیر از اختلاف و بدبینی چیز دیگری تولید نمی کند و به بار نمی آورد. این روش را اسلام نمی پذیرد و حقیقت تسلیم آن نمی شود. اکنون ما مسلمانان مانند ملتی شده ایم که نسل به نسل بدون فکر و عدالت به یکدیگر سفارش می کنند: بایکدیگر دشمنی کنید در صورتی که نسل جدید به کسی ظلم نکرده است».

جناب غزالی در ادامه می افزاید: «در موقع بازگشت از کنفرانس اتحاد مسلمانان و مسیحیان خاطره دردناکی برایم رخ داد و ناگزیر شدم که با آن هم صدا شوم. به قلبم خطور کرد که ما برای تقریب مسلمانان و مسیحی ها برنامه وضع می کنیم و هیچ مشکلی در آن احساس نشد، چرا تقریب بین مسلمانان بایکدیگر به سختی خود باقی مانده است. باید به خاطر جلوگیری از ضرر بزرگ ضرر کوچک را بپذیریم، زیرا حفظ وحدت اسلامی واجب بزرگی است که در حفظ آن مطالب بی شماری نهفته است»<sup>(۱)</sup>.

در طول تاریخ شیطنت های استعمار و استکبار جهانی و تندروی های افراطیون شیعه و سنی آتش و فتنه اختلاف بین فرق اسلامی را شعله ور نمودند و شکافهای عمیقی بین فرق اسلامی ایجاد کردند و در واقع ابتکار عمل را به دست گرفتند. اینک بر دلسوزان، دانشمندان و مصلحان جهان اسلام است که جلوی تندروهای افراطیون شیعه و سنی را سد نمایند و ابتکار عمل را به دست بگیرند و عرصه را بر افراطیون و متعصبان مذهبی تنگ نمایند و با صداقت و اخلاص راه اتحاد و انسجام امت اسلامی را هموار سازند.

برای امت اسلامی اینک این پرسش نیز مطرح است که چرا علمای اسلام و روحانیون طرفین از برادرکشی هایی که در کشورهای عراق و پاکستان صورت می پذیرد با استفاده از ابزارهای شرعی و اسلامی که در اختیار دارند نمی کاهند؟

امت اسلامی انتظار دارد که علمای اسلام و حوزه ها و مراکز علمی و فکری شیعه و سنی در خصوص آگاهی بخشی و عقلانیت توده های فرق اسلامی برنامه های مؤثر و اثرگذاری را در دستور کار خود قرار دهند. حکومت های اسلامی نیز در خاورمیانه و سازمان کنفرانس اسلامی مؤلفه های وحدت گرایانه ای در دستور کار خویش قرار دهند؛ یعنی هم اقلیتهای مذهبی شان را در اداره کشور هایشان مشارکت دهند و هم تعامل منطقه ای و بین المللی را با کشورهای اسلامی و بایکدیگر به حد اعلا ارتقا دهند. همکاری هایشان در سازمان کنفرانس اسلامی به گونه ای باشد که مجامع بین المللی تحت تأثیر قرار گیرند و قدرت متناسب به شصت عضو مسلمان سازمان ملل اعطا شود. همکاریهای منطقه ای در خاورمیانه که اکثریت کشورهای منطقه مسلمان هستند بایستی صادقانه و صمیمانه باشد و اجازه ندهند ابرقدرت ها در

به این وظیفه عمل نشود، نسل های بعدی ما را مؤاخذه خواهند کرد. در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهره مسلمانان دارد و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می داند و آن را چه با نام حماس و چه به نام حزب الله لبنان آماج حمله قرار می دهد آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند؟»<sup>(۲)</sup>.

امام راحل نیز با دوراندیشی در این خصوص فرموده است: «آنهاهی که می خواهند ایجاد تفرقه کنند نه اهل سنت هستند و نه اهل تشیع، آنها کسانی هستند که کارگردانان دولتهای ابرقدرت هستند و در خدمت آنها هستند».

امروزه در منطقه و جهان همگی می دانند که اختلاف امت اسلامی به نفع استکبار جهانی و رژیم اشغالگر قدس است، تا آنجا که وزیر امور خارجه روسیه اظهار می دارد: «ببادا با توجه به مشکلات کردها و وجود تفرقه میان گروه های شیعه و سنی ما شاهد واکنش زنجیره ای در کشور عراق باشیم. گفتگوی میان تمدن ها، مستلزم اتحاد و همبستگی درون تمدن ها است. این غیر قابل پذیرش است که اجازه دهیم اسلام شاهد شکاف بین سنی ها و شیعه شود سپس از هر یک از جناح ها بخواهیم موجبات آرامش دیگری را فراهم سازد».

وقتی کشورهای منطقه از شدت سوزندگی حرارت آتش اختلاف شیعه و سنی چنین احساس خطر می کنند یقیناً امت اسلامی وقتی در مرکز کانون این آتش اختلاف قرار دارد می بایست به طریق اولی احساس خطر جدی بنماید و هر چه زودتر موانع و چالش های اتحاد و انسجام اسلامی را از بین ببرد و از همکاری های سطحی و شعار گرایانه به همکاری های عمیق و عملگرایی روی بیاورد، در غیر این صورت هزینه های گزاف و خسارات جبران ناپذیری را بایستی به جان بخرد. این مقطع زمانی که رهبران فرق اسلامی ضرورت اتحاد و انسجام را لمس کردند، می طلبد که هر چه بیشتر فرصت معتم شمرده شود و جهان اسلام ابتکار عمل را به دست بگیرد و سهم ۷ درصدی توان اقتصادی اش را از اقتصاد دنیا، حداقل به میزان ۲۵ درصد افزایش دهد و در حوزه های نظامی و علمی نیز این گونه عمل کند.

در طول تاریخ اختلافات تشیع و تسنن نظر به اینکه هر دو جزو پیکره بزرگ امت اسلامی هستند آنقدر که مورد استفاده سیاسی قرار گرفته، مورد استفاده دینی قرار نگرفته است. زمانی که امپراطوری عثمانی تا قلب اروپا پیش رفته بود و اتحاد و انسجام بین دو قدرت بزرگ در سرزمینهای اسلامی یعنی امپراطوری عثمانی در ترکیه و صفویان در ایران می توانست پرچم اسلام را بر بخش وسیعی از جهان به اهتزاز در آورد، اروپا و غرب که خود را رو به اضمحلال می دید طرح اختلاف و رویارویی بین دو قدرت عثمانی و صفوی را در دستور کار خود قرار داد و اختلاف و رویارویی بین این دو قدرت مانع از به اهتزاز درآمدن پرچم اسلام بر شرق و غرب گردید.

شیخ محمد غزالی مصری می نویسد: «در عصر حاضر آن طور که ما مشکلات گذشته و تأسف بار خود را ذکر می کنیم و وضع فعلی و آینده

می کرد و بر وحدت عملی تأکید داشت. ایشان در این خصوص می گوید: «از دوستانم تقاضا دارم سعی کنید این وحدت و مودت استقرار پیدا کند و راهی را بروید که در وحدت و اتحاد شما لطمه وارد نشود. بیایید یکدیگر را در آغوش بگیرید. باید شیعه و سنی به مقدسات یکدیگر احترام بگذارند. هیچ روحانی شیعه حق ندارد به مقدسات سنی ها اهانت کند و یک نفر روحانی سنی هم حق ندارد به مقدسات برادران شیعه اهانت کند. هر کس باعث اختلاف بشود ضد اسلام و قرآن است. دولت نباید بین برادران شیعه و سنی تبعیض قایل شود، چرا که هر گاه تبعیض باشد اختلاف پیدا می شود و وحدت تداوم پیدا نمی کند و دشمنان اسلام سوء استفاده می کنند. بیایید جلوی آن کتابهایی را که مزدوران بیگانه نوشتند و دارند پخش می کنند بگیریم. آن کتابهایی را که توسط آخوندهای شیعه و سنی بر علیه یکدیگر نوشته شده اند، دور بیندازیم. به رسانه های تبلیغاتی بگویید تا حرفهایی در رادیو و تلویزیون نزنند که باعث اختلاف و شقاق و دو دستی بشود. اسلام تنها در گفتار نیست که ما شعار بدهیم، ایمان زبانی و شعاری را منافقین هم به زبان می آورند. بیایید وحدت واقعی را در نظر بگیریم، خصوصاً از هیات حاکمه و ارکان دولت تقاضا می کنم که حداکثر رعایت را بکنند تا آنهایی که در اقلیت هستند حقوقشان رعایت شود»<sup>۱</sup>.



#### پس نوشت ها:

- ۱- فصلنامه ندای اسلام، شماره ۲۸، مناظره تلویزیونی دکتر یوسف قرضاوی و آیت الله هاشمی رفسنجانی.
- ۲- منبع سابق.
- ۳- همان.
- ۴- همان.
- ۵- همان.
- ۶- بخشی از سخنان آیت الله هاشمی رفسنجانی در بیستمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی در تهران، فروردین ۱۳۸۶.
- ۷- فرازهایی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی.
- ۸- محمد غزالی، جنایات غربی، ترجمه مصطفی زمانی، ۱۳۶۹، انتشارات پیام اسلام قم، ص: ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۶.
- ۹- سیمورام، هرش، تغییر مسیر، مترجم: سینا مالکی، ماهنامه چشم انداز ایران، شماره اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۶.
- ۱۰- فصلنامه ندای اسلام، شماره ۲۲-۲۳، وحدت شیعه و سنی در گفتار مولانا عبدالعزیز (رحمه الله)، گردآورنده: عبدالباسط بزرگزاده.

خاورمیانه سکنی گزینند و به شیطنت و تحریک گروههای افراطی فریقین بپردازند، و به عبارتی از همکاریهای سطحی و غیرصمیمانه کشورهای اسلامی با یکدیگر بهره برداری سوء نمایند. زیرا وضعیت سوء تفاهم ها امروزه به گونه ای شده است که قدرتهای بزرگ به راحتی در راستای شکاف هر چه بیشتر و بهره برداری به نفع اهدافشان برنامه ها و استراتژی های عمیقی را در دستور کار خود قرار داده اند و عمق تغییر مسیر و یا تغییر استراتژی امریکا از طرح خاورمیانه جدید به استراتژی شکاف بین امت اسلامی تا بدانجاست که یک مشاور دولت ایالات متحده گفته است: «استراتژی جدید تغییر عمده ای در سیاست امریکا ایجاد کرد، این تغییر قابل مقایسه با جابجایی یک دریا است». و مارتین ایندیک، مقام ارشد وزارت خارجه دولت کلینتون و سفیر پیشین آمریکا در اسرائیل، گفته است: «خاورمیانه در حال نزدیک شدن به جنگ سرد جدی میان شیعیان و سنی هاست»<sup>۲</sup>.

بعد از جریان هولوکاست و نسل کشی یهودیان در اروپا، غرب با منصرف کردن یهودیان از گزینه اول که امریکای لاتین بود و سوق دادن آنها به قلب کشورهای اسلامی و تأسیس کشور اسرائیل در واقع جنگ نصرانیت و یهودیت را به جنگ یهودیت و اسلام تبدیل کرد و در فاز دوم اینک همانگونه که در فاز اول مسیحیت را از میدان کارزار بیرون کشیده است می خواهد یهودیت و اسرائیل را از میدان کارزار بیرون بکشد و میدان کارزار را به میان امت اسلامی یعنی شیعیان و سنیان بکشد و خود آسوده خاطر باشد؛ که این قضیه هوشیاری دولتمردان مسلمان و امت اسلامی را می طلبد.

در خاتمه مناسب دیدم فرازی از سخنان یکی از مصلحان و منادیان وحدت عملی، مرحوم مولانا عبدالعزیز ملازاده (رحمه الله)، پایان بخش این نوشتار باشد. ایشان می فرمایند: «این را باید بدانید هر بلا و مصیبتی که در طول تاریخ بر سر مسلمانان آمده در اثر تفرقه و نفاق بوده که استعمارگران و دشمنان اسلام به وجود آورده اند و همیشه سعی کردند بین ما تفرقه بیندازند و حکومت کنند. هزار و چهارصد سال است که این یهودی ها و دشمنان اسلام ما را به جان یکدیگر انداختند، از همدیگر جدا کردند، به سنی ها می گفتند علیه شیعه ها کتاب بنویسید که آنها کافر و بی دین هستند و هر کس شیعه ای را بکشد در جهم بر او بسته می شود، و در مقابل به برخی شیعه ها می گفتند بنویسید سنی ها از یهود و نصاری هم بدتر هستند و آنها بر اثر غلط فهمی خود هزاران کتاب علیه اهل سنت نوشتند و بدین طریق ما را به جان یکدیگر انداختند. این را به شما رک بگویم که آخوندهای شیعه و سنی همه به خارجی ها در انداختن اختلاف و شقاق کمک کردند. آیا می دانید در طول تاریخ چقدر برادر کشی شده، چقدر شیعه کشته شده و چقدر سنی به دست شیعه کشته شده است، اما استفاده را استعمارگران و دشمنان اسلام بردند، ما را تضعیف کردند و کشورهای اسلامی را بین خودشان تقسیم کردند و بر ما حاکم شدند». مولانا عبدالعزیز همچنین نسبت به اتحاد شعاری بین فریقین ابراز نگرانی